

سبک‌شناسی اشعار عباس باقری (مجموعه‌های صبح در پرگار و از پلک سنگ)

یوسف کرمی چمه

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

بهمن ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۱، صص ۴۳-۶۶

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6708

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، یکی از شاخه‌های درخت تناور شعر معاصر فارسی است. این نوع شعر، که اغلب بدلیل ویژگی‌ها و خصوصیات محتواییش شناخته می‌شود، شاخصه‌های زبانی و بیانی خاص خود را نیز دارد. عباس باقری، شاعر مشهور سیستانی، جزو شاعران صاحب سبک جریان شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بشمار می‌رود. در این مقاله، دو مجموعه شعر او سبک‌شناسی شده است.

روش مطالعه: در مقاله حاضر از روش تحلیل متن و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده و محدوده و جامعه مورد مطالعه، دو مجموعه صبح در پرگار (۱۳۶۸) و از پلک سنگ (۱۳۸۶) است. **یافته‌ها:** بسامد واژه‌های مذهبی و عرفانی، واژه‌ها و اصطلاحات جنگی و نامهای جغرافیایی مربوط به جبهه، واژه‌ها و اصطلاحات عربی در مجموعه «از پلک سنگ» بیشتر است. کاربرد نامها و واژه‌های بومی و محلی در شعر باقری قابل توجه است. مهمترین صورخیال شعر او، تشبیه (بخصوص حسی به حسی و اضافه تشبیهی) و تلمیح (بخصوص تلمیحات مذهبی) است. توجه به شهید و شهادت، عاشورا و کربلا، جانبازان و آزادگان، خانواده رزمندگان، وطن‌دوستی، مبارزه با استعمار و جهل و مادی‌گرایی حاکمان همسایه، و بیان فقر و مشکلات اقتصادی از مضامین شعر اوست.

نتیجه‌گیری: میتوان گفت بین این دو دفتر و بطور کلی تمام اشعار باقری از نظر فرم و صورت و محتوا، ارتباط وجود دارد. اشعار باقری بیشتر در قالبهای آزاد و نیمایی است و با زبانی ساده و روان و بهره‌گیری از صور خیال ساده و آشنا سروده شده‌اند. در اشعار این دو دفتر عمدتاً مضامین اجتماعی مانند توجه به فقر و مشکلات اقتصادی، جهل و ظلم و ستم حاکمان همسایه، استعمار و سرمایه‌داری، تقابل تاریخی حق و باطل و مضامین مربوط به دفاع مقدس و انقلاب دیده می‌شود. در شعر او، تأثیر فرهنگ، تاریخ، اقلیم و طبیعت سیستان برجسته است.

تاریخ دریافت: ۱۸ دی ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۲۰ بهمن ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۰۳ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۰ فروردین ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

عباس باقری، صبح در پرگار،

از پلک سنگ، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

✉ yousef.karamichemeh@apu.ac.ir

☎ ۴۸۹۳۱۶۳۸ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Abbas Bagheri's poems (Collections Sobh dar pargar and Az pelk-e- sang)

Y. Karami Chemeh

Department of Persian Language and Literature, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 January 2022
 Reviewed: 09 February 2022
 Revised: 22 February 2022
 Accepted: 09 April 2022

KEYWORDS

Abbas Bagheri, Morning in Pergar,
 From the Eyelid of the Stone,
 Stylistics.

*Corresponding Author

✉ yousef.karamichemeh@apu.ac.ir

☎ (+98 21) 48931638

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The poetry of the Islamic Revolution and the Holy Defense is one of the branches of the great tree of contemporary Persian poetry. This type of poetry, which is often known for its features and content characteristics, also has its own linguistic and expressive characteristics. Abbas Bagheri, the famous poet of Sistani, is one of the poets with the style of poetry of the Islamic Revolution and the Holy Defense. This article, two collections of his poems are stylized.

METHODOLOGY: In the present article, the method of text analysis and library resources is used and the study area and community are two collections of Morning in the compass (1989) And from the eyelid of the stone (2007).

FINDINGS: Frequency of religious and mystical words; War words and expressions and geographical names related to the front; There are more Arabic words and expressions in the collection " From the eyelid of the stone". The frequency of native and local names and words in his poetry is remarkable. The most important forms of his poetry are similes (especially sensory to sensory and metaphorical addition) and allusions (especially religious allusions). Attention to martyrdom and martyrdom, Ashura and Karbala, veterans and freedmen, families of warriors, patriotism, struggle against colonialism and ignorance and materialism of neighboring rulers and the expression of poverty and economic problems are among the themes of his poetry.

CONCLUSION: It can be said that there is a connection between these two books and in general all Bagheri's poems in terms of form, form and content. Bagheri's poems are mostly in free and Nimai's formats and have been written in simple and fluent language and using simple and familiar images. In the poems of these two books, mainly social themes such as attention to poverty and economic problems, ignorance and oppression of neighboring rulers, colonialism and capitalism, historical confrontation between right and wrong and themes related to holy defense and revolution are seen. In his poetry, the influence of culture, history, climate and nature of Sistan is prominent.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6708](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6708)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 2	 0

مقدمه

تأثیر رویدادها و حوادث و تغییرات اجتماعی، تنها در جامعه و مسائل سیاسی نمایان نمی‌شود و عرصه‌های دیگر زندگی بشر – اعم از اندیشه و فرهنگ و هنر – را نیز دربر می‌گیرد. از جمله رویدادهای عظیم در تاریخ جوامع و کشورها، جنگ است که نمود آن را در اعتقادات، اندیشه‌ها، آثار هنری، فرهنگها و اساطیر اقوام و ملل میتوان دید. سرزمین ایران نیز آماج جنگ و جدال بوده و در آثار تاریخی و ادبی بازمانده از فرهنگ ایران، جنگ جلوه بسیاری یافته است. «وجود جنگ‌نامه‌ها، ظفرنامه‌ها، جهادیه‌ها، فتحنامه‌ها و نظایر آن، که از ادب کهن فارسی به یادگار مانده‌اند، جملگی نشانه همین واقعیت است» (قاسم‌نژاد، ۱۳۷۶: ۴۸). از نخستین روزهای جنگ عراق علیه ایران و مقاومت مردم ایران، نوع خاصی از شعر در تاریخ ادبیات فارسی متولد شد؛ این شعر که برآمده از دل جامعه و بازتاب‌دهنده شرایط ویژه آن بود، شعر دفاع مقدس نامیده می‌شود.

ادبیات دفاع مقدس «به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درونمایه و موضوع آنها، به مسائل هشت سال جنگ و دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن برگردد؛ با تکیه بر مقدس بودن، که قلمرو الهی و دینی را بر این نوشته‌ها و سروده‌ها تداعی میکند؛ حال این مجموعه همزمان با جنگ باشد یا پس از آن» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۵).

در میان شاعران این سبک، کسانی هستند که طرزی خاص دارند، ولی چون شعر بیشتر شاعران این سبک – چه از نظر معانی و قالبهای شعری و چه از جهت مختصات لفظی – ویژگیهای مشترکی دارد که وجه امتیاز آن از اشعار دیگر است، شعر دفاع مقدس کیفیتی ویژه مییابد که در شعر تمام شاعران آن کمابیش دیده می‌شود. در این مقاله، دو مجموعه شعر عباس باقری به نامهای «صبح در پرگار» و «از پلک سنگ» از منظر دانش سبک‌شناسی و به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا بررسی می‌شود.

سابقه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش درباره شعر عباس باقری نشان میدهد که تاکنون پژوهش کامل و مستقلی درباره سبک‌شناسی اشعار او انجام نشده است. برخی پژوهشهای مرتبط عبارتند از: کتاب «آوای رود» نوشته سید علی‌نقی کرامت که سال ۱۳۹۵ در انتشارات مارون به چاپ رسید. در این کتاب، مضامین ادبیات پایداری در شعرهای عباس باقری بررسی شده است.

۲. پایان‌نامه مهدی خواجه با عنوان «بررسی ادب اعتراض در شعر عباس باقری»؛ در این پژوهش، با روش توصیفی – تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اعتراضاتی شامل اعتراض سیاسی، اجتماعی و ادبی در اشعار عباس باقری بررسی شده است.

۳. پایان‌نامه محمد سرحدی حقیقی با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گونه‌های هنجارگریزی در اشعار عباس باقری براساس الگوی هنجارگریزی لیچ»؛ در این پژوهش، بر مبنای الگوی هنجارگریزی لیچ، هشت نوع هنجارگریزی (واژگانی، دستوری، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی) در سه دفتر شعر عباس باقری با نامهای «تبعید در آفتاب»، «باران تلخ» و «هنوز سطر اول سایه» بررسی شده است.

۴. مقاله «بررسی بُنمایه‌های اجتماعی ادبیات پایداری در اشعار عباس باقری» نوشته علیرضا محمودی، محمدعلی قهرمانی و نرجس خاتون میربهاءالدین که در اولین همایش ادبیات پایداری گیلان (سال ۱۳۹۵) ارائه شده است.

۵. مقاله «تحلیل سبک‌شناسی اشعار تقدیمی به شخصیت‌های پایداری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» نوشته مریم حداد‌خان‌شان، رستم امانی و حمیدرضا فرضی که در آن، اشعار پانزده شاعر بررسی شده است. البته در این مقاله، شعر عباس باقری مورد توجه نبوده است.

بحث و بررسی

درباره عباس باقری و مجموعه‌های صبح در پرگار و از پلک سنگ

عباس باقری، شاعر و ادیب متعهد و توانمند معاصر، در سال ۱۳۳۴ در شهرستان زابل به دنیا آمد و در همانجا بزرگ شد. برای تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی به تهران آمد و پس از اتمام آن، دوباره به زادگاهش برگشت و علاوه بر سرودن شعر و ترانه، مشاغلی را در رادیو زاهدان و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان بر عهده گرفت. دوران دبیرستان نقطه آغاز ورود او به عرصه شعر است. گویا شعر «کبوترجان» نخستین شعر باقری است که در سال ۱۳۵۱ در مجله اطلاعات به چاپ رسید. پس از آن، شعرهای او در روزنامه‌ها و مجلات متعددی مانند کیهان، اطلاعات، رودکی، زن روز، کتاب صبح، طلایه، سوره، ادبستان، اهل قلم، و مجله شعر انتشار یافت. او اولین کتاب شعر خود را در سال ۱۳۵۹ و با عنوان «تبعید در آفتاب» منتشر کرد. پس از توجه منتقدان به کتاب نخستش، مجموعه شعر دیگری با نام «تکیه بر زخم» در سال ۱۳۶۵ چاپ کرد. برخی دیگر از آثار او عبارتند از: صبح در پرگار ۱۳۶۸؛ باران تلخ ۱۳۷۱؛ خانه سرودها ۱۳۷۷؛ از پلک سنگ ۱۳۸۶؛ نه پنجره نه ای کاش ۱۳۸۶؛ روزهای مندرس ۱۳۸۶؛ مثل شاخه ترنج ۱۳۸۶؛ خاکه نغمه‌ها ۱۳۸۷ و از کلمه تا کیبوتر ۱۳۸۷.

اشعار باقری، بیشتر در قالب‌های آزاد و نیمایی است. مضمون و محتوای شعر وی متأثر از تاریخ، اقلیم و طبیعت سیستان است. او همچنین بطور جدی و فعال به مضامین پایداری و شعر انقلاب پرداخت. «وی در ۱۳۵۹/۶/۳۱ همزمان با بمباران فرودگاه تهران توسط رژیم بعث عراق، اولین غزل خود را درباره جنگ سرود که در مجله زن روز همان هفته به چاپ رسید» (کرامت، ۱۳۹۵: ۸۸).

عباس باقری افزون بر سرودن شعر، پژوهش‌های متعددی را در زمینه تاریخ، ادبیات و دفاع مقدس انجام داده است. مجموعه شانزده جلدی «شعر امروز سیستان» از جمله خدمات ارزنده او به زادگاهش است که در آن، شاعران سیستانی معرفی شده‌اند. وی در عرصه‌های دیگر نیز فعال بود؛ همراهی و همکاری برای تأسیس رادیو زابل، تأسیس انجمن شعر «آزادسرو سیستان»، تلاش برای احیای موسیقی سیستان، تعزیه و شبیه‌خوانی در آن دیار، برپایی مراسم تقدیر از پیرغلامان امام حسین (ع)، و نگارش چند نمایشنامه که «عروس هیرمند» اولین آنها بود و نمایشنامه‌هایی مانند «بوسه بر خاک» و «سیاوش» که با رویکرد به شاهنامه نوشته شدند (همان: ۹۱).

کتاب «صبح در پرگار» را انتشارات برگ در سال ۱۳۶۸ منتشر کرد. در این مجموعه، ۶۴ شعر در قالب‌های رباعی، شعر نیمایی و نو، چارپاره، غزل و مثنوی گنجانده شده است. فقر و مشکلات کلی جامعه ایران و بویژه محیط زندگی شاعر (سیستان) در این کتاب جلوه بسیار دارد. توجه به طبیعت و زادگاه، رشته‌ای است که اشعار این مجموعه را به سایر آثار باقری پیوند می‌زند. انتقاد از جهل و ظلم و ستم و مادی‌گرایی حاکمان سرزمینهای هم‌سایه از دیگر خطوط برجسته این کتاب است. در اشعار این مجموعه، واژه‌ها و اصطلاحات جنگی و نامهای جغرافیایی مربوط به جبهه، جلوه زیادی ندارد؛ اما توجه به انقلاب و جنگ هشت‌ساله در آن آشکار است. در مجموعه صبح در پرگار، شاعر هنوز رنگ شاعران دیگر را نگرفته و فضای شعر، بومیتر و طبیعیتر است.

کتاب «از پلک سنگ» در سال ۱۳۸۶ در انتشارات صریر چاپ شد. این مجموعه شامل ۹۱ قطعه شعر در قالبهای رباعی، دوبیتی، غزل، مثنوی، چارپاره، غزل - مثنوی، نیمایی و نو است. برخی اشعار این دفتر نظیر مشاطگان و آرامکو، پیشتر در مجموعه صبح در پرگار منتشر شده بود. محتوای کلی اشعار، توجه به دفاع مقدس و پیوند مظلومان جهان است. در اشعار این مجموعه، بیشتر از کتاب پیشین، از نامهای جغرافیایی مربوط به دفاع مقدس استفاده شده است. عباس باقری گرایش زیادی به شعر نیمایی دارد و در دو دفتر مورد بررسی نیز این نکته مشهود است. در جدول شماره ۱ بسامد قالبهای شعری آمده است.

جدول شماره ۱: قالبهای شعر باقری

نام کتاب	نیمایی و نو	رباعی	غزل	چارپاره	مثنوی	دوبیتی	غزل - مثنوی	مجموع
صبح در پرگار	۴۳	۱۰	۶	۴	۱	۰	۰	۶۴
از پلک سنگ	۴۲	۲۶	۸	۳	۱	۹	۲	۹۱
مجموع	۸۵	۳۶	۱۴	۷	۲	۹	۲	۱۵۵

سبک‌شناسی اشعار عباس باقری

سبک‌شناسی شیوه‌ای برای بررسی دقیق و همه‌جانبه آثار ادبی است. در این دانش به بررسی زبانی، ادبی و فکری آثار توجه میشود. در ادامه، دو کتاب صبح در پرگار و از پلک سنگ از منظر دانش سبک‌شناسی بررسی خواهد شد.

سطح زبانی

زبان یکی از عناصر اصلی و مهم شعر است. درواقع زبان و کلمه، ابزار شاعر است. «هنر، آفرینش است و هنر شعر، آفرینش با زبان، و هر شعر جز «بافت» نوی از زبان نیست» (حقوقی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۹). از گذشته تا کنون ناقدان و شاعران به اهمیت زبان اشاره کرده‌اند. این موضوع بخصوص در تقسیم کلمات به «ادبی و غیرادبی» نمایان است. اوج توجه به زبان در نزد فرمالیست‌هاست که معتقدند شعر، حادثه‌ای است که در زبان رخ میدهد. یاکوبسن «شعر را کارکرد زیبایی‌شناختی زبان و هجوم سازمان‌یافته و آگاهانه به زبان روزمره مینامید» (به نقل از مقدادی، ۱۳۷۸: ۶۱۷).

پیام و محتوای متن و به عبارت بهتر آنچه شاعر در ذهن دارد، تأثیر زیادی در فرایند انتخاب واژگان و حتی چگونگی بیان شاعر دارد. شاعر بر اساس محتوا و موضوع کلامش، ابزار مناسب بیان آن را برمیگزیند. از همین روست که میگویند زبان ابزار بیان اندیشه است.

شاعر دفاع مقدس از واژگان انقلابی، دینی خاصی استفاده میکند که مخاطب او نیز با آنها آشناست. در شعر دفاع مقدس تنوع واژگانی دیده میشود. نفس جنگ، خود، واژه‌ها و اصطلاحات خاصی را به همراه داشت. همچنین گستردگی جنگ و زمینه‌های آن و فراوانی شاعران و همچنین پیوند این حادثه با انقلاب و مذهب، رواج واژگان انقلابی و مذهبی در شعر دفاع مقدس و در نتیجه تنوع زبانی آن را موجب شد. (کافی، ۱۳۸۱: ۳۳). شاعران دفاع

مقدس از جریان شعر معاصر فارسی نیز متأثر شده‌اند. همچنین توجه به بیان حماسی، موجب کاربرد بسیاری از کلمات و اصطلاحات سنت شعر فارسی در شعر دفاع مقدس شد.

واژه‌ها و اصطلاحات مذهبی: گفتمان مذهبی در شعر فارسی همواره جلوه داشته است؛ اما در زمانهایی که جریان‌های سیاسی و اجتماعی با مذهب پیوند عمیقتری دارند این تجلی بیشتر است. وجه مذهبی و دینی دفاع مقدس، تأثیر بسیاری بر اشعار گذارده است. زبان اشعار دفاع مقدس پیوند ناگسستنی با مذهب دارد و واژه‌های مرتبط با تاریخ صدر اسلام، فرهنگ عاشورا، نامهای معصومین، و اصطلاحات شرعی و فقهی در این شعر رواج دارد.

«آلاله‌های شعب ابیطالب / بیهوده / بر پشتۀ سپیده نمیرویند / دنیا به سرخ‌رویشان رشک میبرد / تا باز / آرامکو» به جای قبله نشیند» (صبح در پرگار: ۸۳).

در شعر «آرامکو» تقابل مادی‌گرایی و معنویت در بستری تاریخی نشان داده شده است.

آری این نصّ «قل هو الله» است حج اگر زنده است، زین راه است

پانزده قرن، حرف حج این است حج سفر نیست، سیره دین است

(از پلک سنگ، ص ۵۴)

اصطلاحات و کلماتی مانند زیارت، اذان، نماز، دعا، کعبه، یثرب، کوفه، خناس، کوثر، زقوم، سجود، مرتضی، و بولهب (صبح در پرگار) و قنوت، تکاثر، مسجدالنبی، والعصر، ادرکنی، زقوم، ربنا، و الله اکبر (از پلک سنگ) در اشعار این دو دفتر دیده میشود. توجه به قرآن و مضامین قرآنی و مذهبی، بسامد بالای اشارات و تعبیر قرآنی را در شعر عباس باقری در پی داشته است.

«شوش» ای حرم عشیره سبز خدا خاک تو گرفته رنگ و بوی شهدا

زان روز که زیر چتر خون می‌گفتی «لا حول و لا قوه الا بالله»

(از پلک سنگ، ص ۱۵۹)

مقایسه دو دفتر مذکور از نظر بسامد واژه‌های مذهبی و قرآنی، نشان میدهد که در مجموعه «از پلک سنگ» واژه‌ها و اصطلاحات و تعبیر بیشتری بکار رفته است. مثنوی «بیعت»، غزل – مثنوی «در سایه خون» و دو شعر نیمایی «مشاطگان» و «آرامکو» بیشتر از دیگر اشعار، کلمات و تعبیر مذهبی و قرآنی را در خود جای داده‌اند. قابل ذکر است که دو شعر اخیر، پیشتر در کتاب «صبح در پرگار» چاپ شده‌اند. ذیل همین بحث، میتوان به واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی نیز اشاره کرد. این اشارات در کتاب «از پلک سنگ» بیشتر است. در ابیات زیر از مثنوی «بیعت»، واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی فراوانی بکار رفته است:

هرچه دنیاست، زیرورو کردن می‌توحید در سب و کردن

شاخ «زقوم» را ز بن چیدن در تجرد به «ماسوا» دیدن

(از پلک سنگ، ص ۵۳)

یکی از تشبیهات و تصاویر رایج در متون عرفانی، بر اساس شکل ظاهری «لا» در عبارت «لا اله الا الله» ساخته میشود. در شعر عباس باقری نیز این تصویر وجود دارد:

مثل عباس تیغ «لا» در کف
مثل اکبر، رشید می‌آید
(همان، ص ۱۱۷)

اصطلاحات و کلماتی مانند این موارد نیز بکار رفته است: خانقاه (صبح در پرگار، ص ۱۳۱)؛ شهود (از پلک سنگ، ص ۴۳)؛ قالوا بلی (همان، ص)؛ دیو نفس (همان، ص ۵۳)؛ مرید (همان، ص ۱۱۷)؛ فانی فی الله (همان، ص ۱۲۶)؛ هفت شهر عشق (همان، ص ۱۴۲).

واژه‌ها و اصطلاحات جنگی: زبان پدیده‌ای اجتماعی است که با تغییر شرایط اجتماعی، تغییر میکند. «از آنجا که جهان و واقعیت همیشه در تغییر است، ساختمان زبان، که در توصیف جهان و واقعیت بکار برده میشود، هم باید مدام در تحول باشد. ... پس دینامیسم واقعیت باید در زبان هم نمایان باشد» (علیپور، ۱۳۸۰: ۵۴). متناسب با تغییر و تحولات اجتماعی در عصر انقلاب و پس از آن دفاع مقدس، زبان اشعار نیز از حیث نوع واژگان و اصطلاحات تغییراتی یافت. نامهای اشخاص، مناطق و ابزارهای جنگی در شعر دفاع مقدس، بسیار آمده است. «بیگانه‌ای را / که قسم یاد کرده است / در پره‌های تشنه آب آس / از خون لاله‌های «هویزه» / نان هزار و یک‌شب بوزینگان را / تأمین میکند / و «دزفول» را / تاریکتر / از کوچه‌های بی‌تبسم بی‌هق» (صبح در پرگار، ص ۱۰۶ و ۱۰۷).

انقلاب و جنگ دو رخداد تازه، مهم و تأثیرگذار بودند که فرهنگ و گفتمان خاص خود را به همراه آوردند. تأثیر این گفتمان و زبان در آثار ادبی، تازگی زبان را در پی داشت. «او / در مردخیزِ جبهه «یلام» / «دهلران» / با پوکه فشنگ / دارد سپیده را به سحر بخیه میزند» (از پلک سنگ، ص ۱۶).

«پس از شروع زنجیره عملیات که در مرحله دوم دفاع مقدس (۶۰/۷/۵ تا ۶۱/۴/۲۳) انجام گرفت، نام عملیات، اسم رمز، مناطق جبهه و مظاهر و عناصر فرهنگی جبهه، به درون شعر راه مییابد و فرهنگ عا شورا، که تکیه‌گاه جبهه‌هاست، فرصتهای ناب شاعرانه را برای شاعران رقم میزند» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۶). «این چهارمین کربلا را / ستارگان نیز / از یاد نخواهند برد / غواصها / از امواج سبقت گرفته‌اند / و نیزار را / گریزی / از مینهای منور نیست» (از پلک سنگ، ص ۱۹).

برخلاف بسیاری از شاعران دفاع مقدس، که از کلمات و اصطلاحات جنگی قدیم نظیر شم‌شیر، خنجر، و سپر بیشتر استفاده کرده‌اند، عباس باقری کمتر از واژه‌هایی مانند نیزه (صبح در پرگار، ص ۱۰۳)؛ رزم (از پلک سنگ، ص ۷۳)؛ و کلاهخود (همان، ص ۱۳۱) بهره برده و اغلب متناسب با وضعیت جبهه و جنگ، واژه‌ها و اصطلاحات جنگی جدید را بکار گرفته است.

صبح را به طاق آسمان نشانده و رفت
آنکه خویش را به روی «مین» تکاند و رفت
(از پلک سنگ، ص ۷۲)

عینی بودن واژگان یکی از خصایص شعر باقری است؛ یعنی او از بمب و موشک میگوید و از الفاظی استفاده میکند که خود درک کرده است. برخی از اینگونه واژه‌ها در کتاب صبح در پرگار عبارتند از: باروت (ص ۶۴)، طیاره (ص ۱۰۶)، تفنگ (ص ۱۴۱)، و تیر (ص ۱۴۲). بسامد اینگونه واژه‌ها در کتاب / از پلک سنگ بیشتر است: خاکریز، تانک، سنگر و خمپاره (ص ۱۷)، خط مقدم (ص ۳۹)، گلوله، پوتین و تفنگ (ص ۴۱)، منور، تیر، ترکش، چلچله و قناسه (ص ۷۳)، پوتین (ص ۱۳۲)، باروت (ص ۱۴۹)، چفیه و پلاک (ص ۱۶۲) از آن جمله است.

چنانکه در نمونه‌های پیشین مشخص است، ذیل واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به جنگ هشت‌ساله، نامهای جغرافیایی را نیز میتوان قرار داد. ذکر نام شهرها و مناطق جنگی، اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی، وقایع مهم تاریخی، در شعر دفاع مقدس نشانگر تمایلات وطن‌دوستانه شاعران است.

«میتوانیم آیا / به شهیدستان «کرخه» و «کارون» / قول لبخند دهیم...؟» (از پلک سنگ، ص ۱۰۵).

ازجمله نامهای جغرافیایی در شعر باقری است: نهاوند و بروجرد (صبح در پرگار، ص ۱۰۵)؛ هویزه، دزفول، بانه و سو سنگرد (همان، ص ۱۰۷)؛ شلمچه (از پلک سنگ، ص ۴۳)؛ تنگه هرمز (همان، ص ۹۴)؛ خونین شهر، جزایر مجنون، فاو، هور، شلمچه و اروند (همان، ص ۱۳۹)؛ اندیمشک و آبادان (همان، ص ۱۶۰). نکته قابل‌ذکر اینکه بسامد و تنوع نامهای جغرافیایی در کتاب/از پلک سنگ بیشتر است.

واژه‌های عربی: در شعر دفاع مقدس، به‌دلیل محتوای مذهبی و دینی اشعار، واژه‌های عربی فراوانی به کار رفته است. در آثار عباس باقری نیز این نکته دیده میشود.

«بر زخم دیر سال، نمک سودند / فترت / در هیأت «معلقات سبعة» برآمد / بر شانه «هبل» / و گو شها / اندوده گشت از بانگ مشرکان / از شاخه «وهاب» / نسلی برآمد / حقیر» (صبح در پرگار، ص ۸۲).

تأثیر قرآن و حدیث در ورود این کلمه‌ها به شعر نقش داشته است.

«می‌آیند / مثل «و نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» / مثل نزدیکتر از بال مرغان / به آسمان» (از پلک سنگ، ص ۳۶).

واژه‌های دیگری نیز در این دو مجموعه بکار رفته است: نجد (صبح در پرگار، ص ۸۲)؛ عقيله (همان، ص ۱۰۳)؛ قبایل مبروص (همان، ص ۱۰۶)؛ حسبنالله (از پلک سنگ، ص ۵۱)؛ جسر (همان، ص ۱۰۰)؛ فانی فی‌الله (همان، ص ۱۲۶)؛ یتیم‌الدهر (همان، ص ۱۶۰) و مانند اینها.

عناصر طبیعی: عباس باقری به طبیعت و مظاهر آن، توجه بسیاری دارد. شاعران ادوار مختلف، بسته به موضوع و زمینه کار خود، از طبیعت و عناصر طبیعی در ساخت تخیلات و مجازها و استعاره‌ها و در وصفهای خود سود جست‌ه‌اند.

«و دنیا / تبعیدگاه فطرت انسان است / انسانی / که با طراوت سبزینه آشناست / و میداند / امسال، سال هفتم میلاد است / که مشاطگان / گیسوی نوعروس جنوبی را / با غنچه‌های خون تازه می‌آریند (صبح در پرگار، ص ۱۰۶).

پرنده و کبوتر در شعر او جایگاه ویژه‌ای دارد: «بر بلند ابر / هر پرنده / شاخه انبوه شب را آشیان کرده / انتظار جفت خود را چشم بر راه سحر دارد» (همان، ص ۱۱۴).

در شعر عباس باقری نیز همچون دیگر شاعران دفاع مقدس، برخی واژه‌های طبیعی مانند کبوتر، شقایق، و لاله نماینده و سمبل شهید و شهادت است.

باز عطر شهید می‌آید آنکه از تن رهید می‌آید

... آنکه از خرمن گل صدرنگ لاله را برگزید، می‌آید

(از پلک سنگ، ص ۱۱۷)

مثنوی «... می‌آید» به یاد شهدای شلمچه سروده شده و شاعر از نماد آشنای «لاله» برای شهید استفاده کرده است. در غزل «جانباز» عناصر طبیعی برای توصیف وضعیت جانبازان بکار رفته است:

باغ تنش که میوه گل زخم داده بار
پر بارت‌تر ز فصل بهاران دلگشااست
(همان، ص ۱۲۶)

در شعر کوتاه «زیر باران» وطن را به لاله دلسوخته تشبیه کرده است: «خون جوشانت / شرف سرخ گرانباری را
میماند / که وطن / زیر بارانش / مثل یک لاله دلسوخته / جان میگیرد» (همان، ص ۱۰).
بسیاری از عناصر طبیعی در ساختاری تقابلی و بصورت نماد بکار رفته‌اند.
چون لاله به روی سینه پاچنگ
دیگر نه سحر به بوی گل بر خاست

از بستر ارغوان بیداران
نه همه زده به شیشه شب سنگ
(صبح در پرگار، ص ۶۵)

عباس باقری، پدیده‌های طبیعی را بصورت جدولی و فرمولی بکار نمیبرد و کاربرد عناصر طبیعی در شعر وی، زنده
و پویاست.

باستانگرایی در زبان

باستانگرایی زبانی با لحن حماسی تناسب دارد و برخی شاعران دفاع مقدس با «برهم ریختن سیاق معمول کلام،
استفاده از ویژگی سبکی قدیم، بهره جستن از واژه‌های مهجور یا بازگشت به اصل برخی الفاظ، سعی کرده‌اند
آهنگ حماسی کلام خود را افزایش دهند» (کافی، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

جنگ بود و غریو طوفان بود
از «منور» زمین چراغان بود

مرد با تکه‌پاره‌های تنش
باز هم مرد رزم و میدان بود
(از پلک سنگ، ص ۷۳)

گاهی شاعران، کلمه‌ای عادی و تکراری را با واژه‌ای کهن عوض میکنند و سبب برجستگی سخن خود میشوند.
پهل این حنجره از زمزمه شوریده شود
زانکه مخمور تو با سوز و گداز آمده است
(همان، ص ۸۷)

یکی از نشانه‌های باستانگرایی، کاربرد (ز) بجای (از) است که در شعر دفاع مقدس نمود بسیاری دارد: «تاجی ز
شاخه زیتون را / بر روی نیزه / به دیدار میرود» (صبح در پرگار، ص ۱۰۳).

شاعر گاهی بجای جنگ از هیجا و رزم، بجای زندان از حصار استفاده میکند.
آسوده غنودنم سبب می‌خواهد
بندی ز حصار کور شب می‌خواهد

خاموشی بی سؤال شاعر، آری
چیز نیست که میر و محتسب می‌خواهد
(صبح در پرگار، ص ۱۳۵)

در رباعی بالا، «غنودن، ز، حصار، میر و محتسب» از مؤلفه‌های باستانگرایی زبانی است. نمونه‌های دیگری از این
دست، در شعر باقری وجود دارد؛ مثلاً همواره (همان، ص ۳۳)؛ هلا (همان، ص ۴۶)؛ خست (همان، ص ۴۷)؛ زی
(همان، ص ۵۵)؛ ورجاوند (همان، ص ۵۷)؛ نک (همان، ص ۹۲)؛ میگویدم (همان، ص ۹۳)؛ چنانچون (همان، ص
۱۱۰)؛ نک (از پلک سنگ، ص ۴۵)؛ کفش (همان، ص ۴۶)؛ اُستَن (همان، ص ۴۹)؛ خلید (همان، ص ۸۵)؛ اندر

(همان، ص ۱۱۸)؛ هیجا (همان، ص ۱۲۰)؛ سیمرغ (همان، ص ۱۴۳)؛ هلا (همان، ص ۱۵۲)؛ کز (همان، ص ۱۶۱)؛ چونان (همان، ص ۱۷۱).

افعال پیشوندی: پیشوند و پسوند در زبان فارسی، معنی‌ساز است و شاعران و ادیبانی که در کاربرد زبان، دقت میکنند، از افعال پیشوندی بدرستی بهره می‌برند: «هلا / سپیده فراز آمد و فروبنشست» (صبح در پرگار، ص ۴۶). بسامد فعل پیشوندی در اشعار باقری درخور توجه است.

«که دسته‌های زلال نور / با غنچه‌های زخم تو / پرچم به بام شهر / برافراشت» (از پلک سنگ، ص ۱۷۴). بسامد فعل پیشوندی در مجموعه / ز پلک سنگ بیشتر است. برخی نمونه‌های هر دو مجموعه: درافتادن (صبح در پرگار، ص ۴۳)؛ براستادن (همان، ص ۴۳)؛ فروبنشست (همان، ص ۴۶)؛ فرومیشد (همان، ص ۷۰)؛ برافرازد (همان، ص ۱۱۴)؛ فروپاشید (از پلک سنگ، ص ۷۴)؛ برآمد (همان، ص ۸۵)؛ فروخفت (همان، ص ۱۱۱).

کلمات و افعال امری و تهییجی: شعر دفاع مقدس، شعری کارکردگراست و بدنبال تهییج و ترغیب و تشویق مردم و رزمندگان است؛ بنابراین لحن خطابی و افعال امری در آن جلوه بسیار دارد: ای جهان در ترانهات بیدار / کوه باش و کبود را بشکاف

انتظار چه میکشی، بشتاب / همچو سیرنگ، تا نشیمن قاف

(صبح در پرگار، ص ۴۵)

برخی نمونه‌های هر دو مجموعه: برخیز (صبح در پرگار، ص ۴۳)؛ هلا (همان، ص ۴۷)؛ بتاران (همان، ص ۸۵)؛ برگیر (همان، ص ۱۳۰)؛ بنویس (از پلک سنگ، ص ۲۱)؛ برخیز، بریز (همان، ص ۴۹)؛ بفروش (همان، ص ۶۰)؛ بردار (همان، ص ۷۵)؛ برپا، بنما، بگشا (همان، ص ۸۳)؛ بهل (همان، ص ۸۷)؛ بخوان (همان، ص ۱۶۲).

ترکیب‌سازی: یکی از راه‌های زنده نگه داشتن زبان، خلق ترکیبات و کلمات جدید است. ترکیب‌سازی، شاعران را در دستیابی به تنوع بیانی و زبانی یاری میرساند. «شعر آیینی و انقلابی مح‌صول فکری و اجتماعی متفاوتی است؛ بنابراین شاعران انقلاب با مفاهیم تازه‌ای مواجهند و نمیتوانند برای بیان پاره‌ای از آنها، استعداد زبانی و واژگانی مناسبی بیابند و ناگزیر به واژه‌سازی می‌پردازند» (زیلابی و همکاران، ۱۴۰۱).

«آفتابی تازه / شاخه نم‌زده‌ای را میشست / که گریز مرغی / مژه سبز و بلند گل را / برهم زد» (صبح در پرگار، ص ۱۴).

ترکیبات زبانی، مشخص‌کننده زبان هر دوره است و سبک‌های شعری را از همین راه میتوان از هم متمایز کرد. در میان شاعران انقلاب و دفاع مقدس، احمد عزیزی و نصرالله مردانی بیش از دیگران ترکیب‌سازی کرده‌اند. ترکیبات شعر عباس باقری، عمدتاً برگرفته از طبیعت است:

«دکان پینه‌دوز ابر را و اهل / چارسوق آفتاب، آینه‌باران است» (همان، ص ۹۷).

«وطن را بردار / و چنان شعر بلیغ دریا / همه جا گیسوی آوازش را / افشان کن» (از پلک سنگ، ص ۷۵).

گاهی ترکیبات شاعر برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که بار معنایی تاریخی دارد:

«زیباترین قصیده فردایی / وقتی مظلومیت تمام زمین را / در نینوای حنجره‌ات یاد میکنی» (همان، ص ۹۱).

همچنین ترکیباتی نظیر: رنگین‌کمان حادثه، نرمة‌های نور (صبح در پرگار، ص ۱۷)؛ سفره دل (همان، ص ۲۱)؛ حوصله شب (همان، ص ۲۲)؛ ستونهای فاجعه (همان، ص ۳۹)؛ آذخانه (همان، ص ۴۹)؛ رواق سبز خیال (همان، ص ۵۰)؛ زخم‌اندود (همان، ص ۶۹)؛ کوخ‌نشین بلا (همان، ص ۷۹)؛ رخدیس (همان، ص ۸۱)؛ آینه‌خانه (همان، ص ۸۱).

۹۰؛ ساقدوش (همان، ص ۱۱۵)؛ خانقاه عطش (همان، ص ۱۳۱)؛ شعب ابی‌طالب وطن (از پلک سنگ، ص ۲۹)؛ آستین حوصله (همان، ص ۵۷)؛ میخانه‌های زمزمه (همان، ص ۷۰)؛ پلک بسته شب (همان، ص ۷۱)؛ گل سرخ آتش (همان، ص ۷۶)؛ شهیدستان (همان، ص ۱۰۵)؛ خم گل (همان، ص ۱۰۹)؛ چراغ آرزو (همان، ص ۱۱۰)؛ امواج آبی تکبیر (همان، ص ۱۱۶)؛ دندان مرگ (همان، ص ۱۶۵)؛ در شعر باقری بکار رفته است.

لحن و زبان عامیانه و محلی

از ویژگیهای شعر باقری، اقلیمی بودن تصاویر و زبان است. تجربه او از اقلیم جنوب و محیط زندگیش، موجب شده با انتخاب کلمات و واژه‌های محلی، اشاره به نامهای جغرافیایی و آداب و سنتهای محلی، رنگ‌وبوی خاصی به شعرش بدهد.

«اگر بهار دوباره / به کومه‌های آب، چراغ شکوفه بنشانند / اگر مسافر باران / ز چشم‌زخم بلا یک نفس امان یابد / نمک به منقل آتش دگر نخواهد ریخت» (صبح در پرگار، ص ۱۱۱).

که اشاره به سنتی قدیمی در میان مردم سیستان دارد که برای بند آمدن باران، نمک در آتش میریزند.

«و مردها / همه تلواسه را نشانده به دل / نمک به سینه دریا میپاشند» (همان، ص ۱۱۱).

بند بالا نیز اشاره به سنتی در میان مردم کناره‌های دریاچه هامون دارد که در سالهای کم‌آبی برای جلوگیری از شدت تبخیر آب، نمک در دریا میپاشند.

«رنگ سپید: / بال هبوط نور / وقتی که شیر صبح / روی اجاق سپیده / سر می‌رود / و تو / کندوی نور را / انبوهه عسل / بر روی شیر کف‌زده، سرریز میکنی» (همان، ص ۱۲۴).

در بند بالا، «سررفتن» و «سرریز کردن» جزو تعابیر عامیانه است.

اوج اشارات بومی و اقلیمی باقری در مجموعه صبح در پرگار را میتوان در شعر «بلوچ» دید. در این شعر بلند، که «برای مردم صبور بلوچستان» سروده شده است، شاعر به محیط زندگی و اقلیم بلوچستان، سبک زندگی و فرهنگ مردم و همچنین مشکلات آنان اشاره دارد: «لیکوی» تو / یادآور قصیده یاران است / وقتی که چشمه‌ها / طرحی ز می‌شهای لاغر دهکوره را / دیر است / در قحط سال / سنبله از یاد برده‌اند ... / گاهی هنوز / تلوا سها / مردان تشنه «بمپور» را / در شیب رودخانه «سرباز» / آواز میدهد: / «اوی ... ی ... ی / عیدک!» (همان، ص ۱۴۰).

«این کابلها چقدر صبورند / سید / که بر کف پاهایت / هی تند و تند / مقتول سرخ میبافند / و «آخ» نمیگویند» (از پلک سنگ، ص ۵۹).

او در دوبیتیها از زبان محاوره استفاده کرده است:

پریشون روزگاری داره مادر فراق گل‌عزاری داره مادر

به هنگام خزان، چون باغ بی‌گل گلی در شوره‌زاری داره مادر

(همان، ص ۱۵۶)

برخی نمونه‌های دیگر: پیش پا (صبح در پرگار، ص ۴۱)؛ اوایل یعنی زمین (همان، ص ۷۶)؛ دربر (از پلک سنگ، ص ۱۸)؛ کل زدن (ص ۸۰)؛ خروسخوان (همان، ص ۱۲۵).

واژه‌های موردعلاقه شاعر: هر شاعری واژه‌های موردعلاقه خود را دارد. بسامد و کاربرد خاص واژه‌های طره، حرامیان و حوصله (در هر دو مجموعه)؛ پایه‌زا (صبح در پرگار، ص ۱۰)؛ بقعه (همان، ص ۶۲)؛ نام گلها و پرندگان (صبح در پرگار)؛ یل نامیر (از پلک سنگ، ص ۱۲۱)؛ تذرو (همان، ص ۱۵۸) و... نشان می‌دهد که باقری به این واژه‌ها علاقه دارد.

فعل آغازین: در بررسی نحو زبان شعر عباس باقری، باید به کاربرد فعل آغازین توجه کرد.

نشسته است زمین در خزان سرب‌آلود مگر تو از سر سودای فصل برخیزی

(صبح در پرگار، ص ۸۰)

کاربرد فعل آغازین، در بسیاری موارد نشانگر اهمیت فعل و عمل صورت‌گرفته است و جنبه تأکیدی دارد:

بر پا بر پا شکوفه کن و قوت صدا در لُجه خون بهار جان را بنما

(از پلک سنگ، ص ۸۳)

«می‌آیند / از پشته‌های نیمه‌جان ناله / از چکمه‌های بی‌پا / از پلاکهای بی‌سر» (همان، ص ۳۷).

سطح ادبی

یکی از رمزهای شاعری، تصویر هنری و صور خیال در شعر است. شعر را کلام مخیل گفته‌اند؛ زیرا تصویرسازی بخش مهمی از آن است. «ایماژ در اصل به معنی تصویر ذهنی است، اما در بلاغت مراد از آن تشبیه و استعاره و مجاز است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۷۸). تصاویر شعری را نباید محدود به علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) کرد و بعضی مباحث بدیعی مانند ایهام، اغراق، تلمیح، و تضاد را هم میتوان به آن افزود. ناظر به اهمیت تخیل است که از دیرباز دانشمندان مختلف، تخیل را یکی از عناصر شعر و گاه مهمترین عنصر بحساب آورده‌اند. شعر «کلامی است مخیل مؤلف از اقوالی موزون متساوی مقفی» (اساس‌الاعتباس: ۵۸۶).

اغلب گونه‌های متعارف زیبایی‌شناسی نظیر تشبیه، استعاره، تلمیح و نماد بصورت طبیعی در اشعار به کار رفته است؛ اما از حیث تازگی و نوآوری جلوه زیادی ندارند. در شعر صریح و مستقیم دفاع مقدس، صنایعی که بیان را کنایی و پیچیده می‌کند همچون ایهام، ابهام، کنایه‌ها و استعاره‌های دور، کمتر دیده می‌شود.

تشبیه: تشبیه، ساده‌ترین نوع صورخیال است. البته تشبیه براساس نوع ارکان یا حذف و ذکر وجه شبه و ادات، به انواعی تقسیم می‌شود و سادگی فهم و دریافت همه آنها یکسان نیست. مخاطب شعر دفاع مقدس، مردم، رزمندگان و افرادی هستند که لزوماً تخصصی در ادبیات ندارند؛ بنابراین شاعر کلامش را ساده بیان می‌کند. از میان انواع صورخیال، تشبیه ساده‌تر از بقیه است و در شعر دفاع مقدس نیز فراوان بکار رفته است. در اشعار تقدیمی به شخصیتها نیز اینگونه است (حداد خانشان، امانی و فرضی، ۱۴۰۰).

«که دلم / خواب دیدار گل قوس‌وقزح میببند» (صبح در پرگار، ص ۱۴).

اغلب تشبیهات مجموعه صبح در پرگار، حسی به حسی هستند.

«آسمان دیرپست / چون چشم عروس شوی مرده / مات و بیرنگ است» (همان، ص ۱۱۴).

بسامد تشبیه بلیغ نیز در شعر او بسیار است:

زخم چرکین تازیانه فقر بر تنت همچو نیلگونه پرند

(همان، ص ۵۸)

شعر دفاع مقدس، شعر پیام و مضمون است و از همین رو در این مجموعه، تصویرآفرینی در خدمت انتقال پیام است. صور خیال اشعار متأثر از محتوا و مضمون است. با توجه به محتوای مذهبی و نگاه اسلام‌وطنی شاعران، مواد خیال شاعران دفاع مقدس نیز چنین رنگی دارد.

«اروند / مثل چراغ توری / در سراچه‌ای از سرخ میسوزد / آسمان / در آتش» (از پلک سنگ، ص ۲۰).

شاعران برای بیان اندیشه‌های خویش، از تصویر (صورخیال) بهره می‌برند. تصاویر شعری در هر عصر و جامعه‌ای معرف نوع نگاه شاعران است؛ بنابراین دقت در ذهن شاعر برای درک بهتر تصاویر او در مطالعات و تحقیقات ادبی بسیار راهگشاست. مهمترین نکته‌ای که اینجا باید در نظر داشت اینکه تغییر سبکها بر اثر تغییر ذهنیتهاست.

لحظه‌ای از عطش فروپاشید زخم‌هایش چو لاله، لب وا کرد

آنکه چون موج، صخره پیما بود تکیه بر خاکریز داد از درد

(همان، ص ۷۴)

و نمونه زیر که اضافه تشبیهی یا تشبیه بلیغ است و جلوه‌ای حماسی و عرفانی دارد:

آنکه از جام کربلای وطن شهید جان، سرکشید می‌آید

(همان، ص ۱۱۶)

در شعر عباس باقری، تشبیه، بیش از آنکه بطور گسترده و کامل دیده شود، در شکل فشرده (اضافه تشبیهی) به کار رفته است و عنصر سازنده تشبیه غالباً «طبیعت» است. برخی نمونه‌های دیگر: بقچه گل (صبح در پرگار، ص ۱۴)؛ گره غنچه (همان، ص ۲۱)؛ نان گرم آفتاب (همان، ص ۳۲)؛ باغ صبح (همان، ص ۷۷)؛ لاله، چراغی است بر رواق بهار (همان، ص ۹۹)؛ شیر صبح روی اجاق سپیده سر میرود (همان، ص ۱۲۴)؛ باغسار سرخ وطن (از پلک سنگ، ص ۱۷)؛ گل سرخ آتش (همان، ص ۷۶)؛ چراغ از (همان، ص ۱۱۰)؛ حجله‌گاه جزایر مجنون (همان، ص ۱۱۹).

استعاره: حرکت زبان بسمت ایجاز و نیز نیاز طبیعی شاعر به موجزگویی روزبروز بر اهمیت استعاره می‌افزاید.

«در این سرای تیره طوفانزا / اینجا که صبح را / با پار سنگ عقوبت / در قریه‌های کوچک نادانی / بدنام کرده‌اند / می‌خواهم آفتاب بمانم» (صبح در پرگار، ص ۵۳)

استعاره‌های مصرحه شعر باقری، اغلب تکراری و فاقد خیال‌انگیزی هستند و بعلاوه کثرت کاربرد، تبدیل به نماد شده‌اند؛ مثلاً از لاله، شقایق، و کیوتر برای شهید استفاده کرده و آفتاب، صبح، سپیده و سحر، برای بیان آزادی و شب را برای بیان استبداد و ظلم به کار برده است.

شاعر همچنین با بهره‌گیری از استعاره‌های حماسی و ملی و دینی، جامعه را وصف میکند.

سکه شب به نام دیو که زد؟ که به بیعت فشرد دست کمند؟

تو خموشی و سامری به سخن اهرمن دادخواه و ورجاوند

(همان، ص ۵۷)

شاید شاعران با توجه به شرایط خاص جبهه و کارکرد شعر در این شرایط، استعاره‌های آشنایی بکار می‌گیرند تا مخاطب با آن ارتباط برقرار کند و در نتیجه شاعر در انتقال مفهوم و احساس موردنظر خویش موفق شود.

«آنگاه / بانگ بلند صبح / آفاق را / به دیدن خورشید مژده داد» (از پلک سنگ، ص ۶۸).

در شعر زیر، گول استعاره از دشمن است و شاعر با به کار بردن صفت «کاغذین»، برای دشمن رجز میخواند و آنها را تحقیر میکند.

«وقتی که نیمه‌شب / گولان کاغذین «بعث» / پدیدار میشوند» (همان، ص ۱۷).

«و پرندگان سربی / بر او سایه می‌فکنند» (همان، ص ۴۲). پرندگان سربی، استعاره از هواپیماهاست. سینه سرخ، شقایق، ققنوس، مرغان مهاجر، لاله، سحر، شکوفه، پرنده، باغ، و کبوتر از دیگر استعاره‌های بکاررفته در این مجموعه است.

تشخیص و جاندارانگاری: تشخیص، گونه‌ای از استعاره مکنیه است و درواقع «تصرفی است که ذهن شاعر در اشیا و در عناصر بیجان طبیعت میکند و از رهگذر نیروی تخیل خویش، بدانها حرکت و جنبش میبخشد و درنتیجه هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیا مینگریم همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۴۹).

«رنگین کمان حادثه را دیدم / در نرمه‌های نور / بازو گشوده بود» (صبح در پرگار، ص ۱۷). شاعر، ابتدا حادثه را به رنگین کمان تشبیه کرده و سپس او را در قامت انسانی دیده که بازو گشوده است. در سایر بندهای این شعر نیز، تشخیص وجود دارد.

«گیسوان فقر را / با خیال باد / شانه می‌زنیم» (همان، ص ۳۴). فقر همچون انسانی، گیسو دارد. شاعر از تشخیص بهره بسیار برده و همه عناصر طبیعت را در خدمت بیان آرمانهای خود و مضمین اجتماعی درآورده است.

«می‌بینمت / چه ساده شکوفاندی / در پلک بسته شب / آفتاب را» (از پلک سنگ، ص ۷۱). شب مانند انسانی است که پلک دارد.

«بخاطر چشمهایی که در «ناصره» / دندان مرگ را می‌شمارند» (همان، ص ۱۶۵).

بسامد تشخیص در مجموعه صبح در پرگار، بیشتر است. برخی نمونه‌های دیگر: کلام سبزه (صبح در پرگار، ص ۱۲)؛ خواب شب‌بنم، بلوغ گل، تب باغچه (همان، ص ۲۷)؛ مژه خشک خار (همان، ص ۶۹)؛ دست خونریز خار (همان، ص ۷۰)؛ لب خشک بوته‌ها، چشم صبح (همان، ص ۷۱).

نماد: نماد نیز همچون سایر صورخیال، در انتقال مفاهیم به شاعر کمک میکند و کلام را زنده می‌سازد و از تکرار نجات میدهد. فارغ از جنبه زیبایی‌شناسی و ارزش هنری و پرهیز از بیان شعاری و تکراری، کاربرد نماد از حیث معنایی نیز اهمیت دارد. واژه نمادین، معانی متعددی را با خود به همراه دارد و میتواند نماینده تیپهای شخصیتی و گروههای اجتماعی باشد. «نماد در شعر جنگ دارای تنوع و تعدد قابل اعتنایی است. پشتوانه انقلاب با بنیانی آیینی و مذهبی، پیوند با حماسه‌های تاریخی و اساطیر، تطبیق تاریخ، زمان‌آگاهی و ارتباط با ادبیات جهان و شناخت نمادهای مشترک جهانی، طبیعت‌گرایی نوین و تفکر مبارزه دو قطب حق و باطل در عالم، زمینه این افزونی و تکرار برای نمادگرایی شعر جنگ پدید آورده است» (کافی، ۱۳۸۱: ۲۷۹).

نمادهای شعر باقری اغلب تکراری است؛ مثلاً لاله، شقایق، کبوتر، پرنده، باغ، آفتاب، صبح، سپیده و سحر. «گیرم / بر شانه‌های ابر، نلغزد نگاه صبح / اما / با سرنوشت خاک / آنگونه خوگرفته / که گویی / خیمه به ارغوان سحر دارد / قدیس بامداد» (صبح در پرگار، ص ۱۶).

در اشعار تقدیمی به شخصیتها نیز نمادها تکراری است (حداد خانشان، امانی و فرضی، ۱۴۰۰).

بازآمدی از سمت شب ای مایه ناز
ای از تو باغ آسمان، سرشار آواز
(از پلک سنگ، ص ۱۳۴)

وی در استفاده از نماد، به جنبه زیبایی‌شناسی آن توجهی ندارد و از ظرفیت محتوایی و اندیشگی آن بهره میبرد، شاید از همین روست که بسامد نمادهای شخصی و جدید در اشعار او اندک است.

تلمیح: تلمیح یکی از عناصر فرمی است که به شرط کاربرد درست آن، تأثیر بسزایی در برجسته‌سازی زبان دارد. این اصطلاح در بلاغت فارسی و عربی، ذیل بدیع معنوی (Figures of meaning) قرار میگیرد (محمدی، ۱۳۷۴: ۷). این آرایه در شعر مقاومت و پایداری یکی از پربسامدترین آرایه‌هاست. محتوگرایی شاعران و روح حماسی حاکم بر شعر جنگ و جاذبه‌های مذهبی و آیینی، در گرایش شاعران به تلمیح مؤثر است.

تو به شب، آه را گره به گلو
او به زنجیر عدل خود خرسند
(صبح در پرگار، ص ۵۸)

تلمیحات دینی و مذهبی، در شعر باقری قابل توجه است:

«قابیلی / بی شناسنامه و ملیت / که تاریخ چهل را / با دستهای شرم، ورق میزند / و عشق را / با چشمهای
«یهودا»ی خبط / ورنه انداز میکند» (همان، ص ۱۰۴).

تلمیح نوعی فراخوانی تاریخ است و به متن، عمق تاریخی و معنا میبخشد. تطبیق انقلاب و وقایع آن با حادثه کربلا در کلام رهبران فکری و معنوی انقلاب موجب شد از دوره انقلاب، تلمیحات دینی و مذهبی بویژه تلمیحات عاشورایی در شعر رواج یابد و شعر را زنده و متحرک سازد.

خسته و شرمگین چنانکه حسین (ع)
تا زبان بر دهان او بنهاد

مرد، آنگاه زیر بارش سرب
تشنه، چون کربلایان جان داد
(همان، ص ۷۴)

در مجموعه/از پلک سنگ، تلمیحات اسطوره‌ای و شاهنامه‌ای دیده میشود:

«مردم / آیینۀ سیاوش‌رفتارند: / در رو‌شنای حنجره میرویند / و در آتش به کین شب آراسته / با ابرهای سرزده
مبارند» (از پلک سنگ، ص ۲۱).

«و خون خطبه‌اش / از هر قبیله‌ای که گذشت / هزار کاوه نستوه را / خروش آموخت» (همان، ص ۸۱).

در مجموعه/از پلک سنگ، تلمیحات بیشتری بکار رفته و تنوع تلمیح نیز در این دفتر بیشتر است. البته نکته مشترک در هر دو دفتر این است که باقری در اشعار بلند و طولانی، بیشتر از تلمیح استفاده کرده است. در دو شعر «آرامکو» و «مشاطگان» از هر دو مجموعه و اشعاری با نام «از ژاله آمدند»، «بیعت» و «می‌آید» از مجموعه/از پلک سنگ، این نکته آشکار است.

برخی دیگر از نمونه‌ها: سامری (صبح در پرگار، ص ۵۷)؛ چاه مرتضی، گرگ و یوسف (همان، ص ۶۰)؛ شعب ابی‌طالب، ابرهه، اصحاب بدر، زقوم، داوود (همان، ص ۸۳)؛ هاجر (همان، ص ۱۲۸)؛ قاضی بلخ (همان، ص ۱۳۵)؛ یوسف (از پلک سنگ، ص ۳۷)؛ بولهب، یهودا، هابیل (همان، ص ۴۶)؛ نمرود و داوود (همان، ص ۴۸)؛ خیبر (همان، ص ۵۴)؛ عاشورا (همان، ص ۸۴)؛ هاجر (همان، ص ۹۰)؛ هزارویک شب (همان، ص ۱۰۱)؛ مسلم‌بن عقیل (همان، ص ۱۳۸)؛ ابرهه و ابابیل (همان، ص ۱۷۰).

کنایه: «کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد، و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد، چنانکه بگویند «پخته‌خوار» به معنی تنبل که از دسترنج آماده دیگران استفاده میکنند» (همایی، ۱۳۷۱: ۲۵۶ و ۲۵۵)

«ام‌سال / سنبله / در پیش پای باد / سر خم نکرد / اما به‌جای آن / مردان آفتاب / پیش ضریح نان / در سجده آمدند» (صبح در پرگار، ص ۴۱).

شعر «در پیش پای نان» مضمونی اجتماعی دارد و در آن، شاعر از فقر و مشکلات مربوط به آن شکوه میکند. در این شعر، «سر خم کردن» و «در سجده آمدن» کنایه از تعظیم کردن و تسلیم شدن است.

پهوش باش که در روزهای زخم‌اندود گره به ابر نبندی، به غم نیاویزی

(همان، ص ۷۹)

در بیت بالا، «گره به ابر بستن» کنایه است. گویا شاعر میخواهد بگوید که به اشخاص و پدیده‌های ناپایدار تکیه نباید کرد و دل نباید بست.

چنانکه دیگران نیز اشاره کرده‌اند، در اشعار دفاع مقدس، به مجاز و کنایه توجه چندانی نشده است (حداد‌خانشان، امانی و فرضی، ۱۴۰۰). این نکته شاید بدلیل آن است که بیان صریح و ساده و بدون ابهام در این نوع شعر، مدنظر است.

جدول شماره ۲: صور خیال شعر باقری

نام کتاب	تشبیه	استعاره	تشخیص	نماد	تلمیح	کنایه	سایر موارد (پارادوکس، حس‌آمیزی و...)
صبح در پرگار	۶۷	۱۲	۱۰	۱۱	۱۵	۵	۱۲
از پلک سنگ	۵۵	۳۴	۸	۲۷	۴۳	۳	۵
مجموع	۱۲۲	۴۶	۱۸	۳۸	۵۸	۸	۱۷

بررسی فکری

محتوا یا آنچه شاعر از آن سخن می‌گوید، برگرفته از افکار، باورها و بینش او و فضای کلی حاکم بر جامعه است. در سالهای منتهی به انقلاب اسلامی، در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران، توجه به مذهب و نشانه‌های آن مانند عاشورا، توجه به وطن و تقابل حق و باطل برجسته و آشکار بود. در عرصه ادبیات نیز ادیبان انقلاب، مبانی نظری انقلاب اسلامی را مطرح کردند و به آموزه‌های متفکران اسلامگرا، شکل هنری دادند و با نگاهی تاریخی به دین و تقابل حق و باطل نگرستند. از جمله علی معلم در اشعار «سیه‌پوش برادر، تاوان این خون، باور کنیم». بازگشت به مذهب و طرح مفاهیمی نظیر شهادت، انتظار، هجرت و اسطوره‌ها و نمادهایی مانند ابوذر، حضرت زینب (س) و زهرا (س) و گفتمان عاشورایی بر شعر انقلاب تأثیرگذار بود. حدود دو سال پس از پیروزی انقلاب، جنگ شروع

شد و از همین رو بسیاری از بنیانهای فکری، اجتماعی، ادبی و... انقلاب در جنگ ادامه یافت. جنگ نیز شعر معاصر را متحرک ساخت و «محتوایی صادقانه و تراژیک» در تاریخ ادبیات ایجاد کرد (کاکایی، ۱۳۷۶: ۷). ادبیات دفاع مقدس سه محور دارد: ۱- طرح آرمانها و تفکرات و توجیه حقانیت؛ ۲- بیان شجاعت و ستایش فتوحات (دعوت به مقاومت)؛ و ۳- یادکرد جنگ (توصیف فاجعه) و سوگسرای (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲۸). شعر اعتراضی (انتقاد از افول ارزشها، رفاه‌زدگی و فراموشی آرمانها، سودجویی و...) نیز از جمله مهمترین جریانه‌های ادبی پس از دفاع مقدس است (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۳).

شهید و شهادت: جنگ، عرصه مبارزه و مقاومت است و در این راه، طبعاً کسانی جان خود را از دست خواهند داد. مقام شهادت در اسلام یکی از مفاهیم عمیق و بنیادی است و جهادگران راه خدا، نهایت آرزویشان رسیدن به مقام شهادت است. البته تقدیس شهیدان در ادب پایداری ملل دیگر نیز اهمیت دارد. به گفته نیچه «پرستش قهرمانانی که سلاح در دست به خاک غلطیده‌اند بتدریج جای پرستش قدیسان را میگیرد» (شایان‌مهر، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

ایثار و ازخودگذشتگی و شهادت، مهمترین مضمون شعر دفاع مقدس است. باقری، شعر «ام‌الرصاص» را به یاد شهیدان جامانده در کربلای چهار سروده است: «به بیگاهان / ماه / اما / فتیله نگاهش را / بالا میکشد / تا در فوران فسفر / زخم نهنگانی را بشمارد / که از «ام‌الرصاص» بازنگشته‌اند» (از پلک سنگ، ص ۲۰). بجز اشاراتی کلی که به شهادت و شهید در شعرهای دیگر (مثل از بیکرانه تا هنوز) دارد، برخی اشعار را به یاد شهید یا شهیدانی خاص سروده است؛ مانند به لحظه والعصر، به یاد شهدای گروهان زیدبن حارثه؛ گمنام، به یاد شهید محبعلی ژبانی؛ مینوی ۲، در سوگ شهید آوینی؛ نامه، به یاد شهیدان عملیات خیبر؛ شلمچه، به یاد شهید حسین عالی؛ تشنه به یاد شهدای عملیات مهران؛ تقوای سرخ، به یاد شهید مصطفی چمران و چند شعر دیگر. «فردا / بیست و پنج سالگیت را / پرنده‌های رازناک / از پشت پنجره‌ها / خاطره برمچینند / اما / مادر / چکمه‌هایت را دیگر نمیبوید / و ماه / رؤیای آمدنت را / در پیش روی ابر / تاریک میشود» (همان، ص ۱۷۷). در شعر «یاد» که بخشی از آن ذکر شد، شاعر از شهدای مفقودالثر سخن گفته است. همچنین غزل «در شعله‌زار صاعقه» را برای رجعت تکه‌های پیکر شهدای مفقودالثر سروده است. علاوه بر توجه به شهیدان جنگ تحمیلی، شاعر به شهدای جمعه خونین مکه (ص ۸۹)، فلسطین (ص ۱۲۲)، بمباران شیمیایی حلبچه (ص ۱۲۴)، مردم مظلوم افغانستان (ص ۱۲۸)، جنگ بوسنی و هرزگوین (ص ۱۵۳) نیز اشاره کرده است.

توصیف جانبازان و آزادگان: غیر از شهیدان که از جان خود گذشتند، رزمندگان دیگر نیز فداکاریهای زیادی کرده‌اند که شاعران به آنها توجه داشته‌اند. باقری در برخی اشعارش به جانبازان اشاره میکند: «هنوز مانند سالهای پیش / خاموش سرفه میکنی؟! / هنوز سوغات خردل‌یت را / در آستین حوصله میپچی؟! / هنوز میخواهی در آینه / تاولهایت را غریب تماشا کنی؟!» (از پلک سنگ، ص ۵۷).

شعر بالا را برای سیدمهدی موسوی، از جانبازان و آزادگان، سروده است. در غزل «جانباز» با بهره‌گیری از فرهنگ کربلا و زبانی عرفانی، جانبازان را ستایش کرده است:

جانباز جسم نیست، جلالی ز کبریاست
بر طاق عرش، لوحه فرهنگ کربلاست

جانباز، واژه نیست که صید قلم شود
شکلی دگر ز «فانی فی الله» نینواست
(همان، ص ۱۲۶)

در چهارپاره «آزاده» به پیشواز آزادگان سرافراز رفته است:

بوی بهاران می‌دهی ای مرد آزاده!

ای از تو خاک میهنم آباد آباد

بنشین به روی چشمم ای پیک بهاری!

کز دوریت آتش به جان مادر افتاد (همان، ص ۱۳۳).

عاشورا: حماسه حسینی و مفهوم عاشورا، از مهمترین مضامین و رخدادهای تاریخ اسلام است که در دوران انقلاب و دفاع مقدس به آن ارجاع داده میشود. بزرگان و مردم، انقلاب و جنگ هشت‌ساله را به عرصه کربلا مانند می‌کردند و شهدا و مبارزان را همچون یاران امام حسین (ع) میدیدند؛ شعرهایی مانند «نهضت ما حسینیه» رهبر ما خمینی‌ها در دوران انقلاب رواج داشت. شاعران این دوره نیز به کربلا و عاشورا توجه زیادی دارند.

برپا برپا مدار شب را بشکن
در پای سحر کفن کن این دهشت را

برپا برپا جنون بتاران برپا
افطار ز خون کنید در عاشورا
(از پلک سنگ، ص ۸۴)

شاعر از گفتمان عاشورا استفاده کرده و بر پیوند انقلاب و دفاع مقدس با حادثه کربلا تأکید میکند:

آنکه نایش به نینوا ماند
وز نیستان وزید، می‌آید

... مثل عباس، تیغ «لا» در کف
مثل اکبر، رشید می‌آید
(همان، ص ۱۱۷)

شاعر، کربلا را گونه‌ای فرهنگ میداند (همان، ص ۱۲۶) و از پیشانی‌بندها سخن می‌گوید:

سربند «یا حسین» تو کآن روز گرم جوش
با دست خویش بست به سر مادرت، کجاست؟
(همان، ص ۱۳۵)

«پیوند مجموعه جبهه با فرهنگ عاشورا نه تنها گستره شعارها و شعرها را در بر میگیرد که نوعی آرمان و مقصد برای جبهه‌ها میشود؛ پیشانی‌بندها عنوان «مسافر کربلا» مییابند و تابلونوشته‌ها در جبهه‌ها نیز فاصله تا کربلا را تعیین میکنند و حتی نام جاده‌ها در جبهه نیز از کربلا گرفته میشود» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۹).

توجه به خانواده رزمندگان و شهدا: شاعران دفاع مقدس به حال و هوای خانواده رزمندگان و شهدا پرداخته‌اند؛ چشم‌انتظارها، آرزوها، حسرتها، دلتنگیهای فرزند و مادر و همسر شهدا و رزمندگان، در اینگونه اشعار مطرح شده است. شعر «زیتون سرخ» به یاد مادران شهدا سروده شده است: «گیسو پریش کرده و / دریاوار / می‌آید از کناره آتش / و گردباد / در ملتقای دست و حنجره‌اش / چرخ میزند / شکلی از آینه دارد / این زن / این / زیتون سرخ جنوبی» (از پلک سنگ، ص ۷۹ و ۸۰).

در دوبیتی زیر، شاعر با مادران شهید اظهار همدلی کرده است و وطن را در فراق جوانان غیور، تا قیامت گریان و سوگوار دانسته است. «پرستو» از نمادهای آشنا و پربرسامد شعر دفاع مقدس است.

پرستو جان، پرستو جان، فدایت
بخوان با مادران شعر شهادت

نمیبینی وطن را دیده گلریز ز خوناب جوانان تا قیامت
(همان، ص ۱۵۷)

شعر «روی جناغ تانک» شعری عاطفی است که مخاطب آن، فرزند یک رزمنده است و در آن، ضمن بیان مسائل عاطفی و احساسی، از اهمیت مبارزه با شب و دشمن سخن میگوید: «در پشت خاکریز / بابا، دعای هر شب‌هش این است: / هرگز مباد / حتی / یک وجب از این سپیده‌دم / سهم نگاه اجنبی دربرد شود» (همان، ص ۱۸). او شعر «یادگار» را برای فرزندان شهدا سروده است. در اینگونه اشعار، شاعر به مسئلهٔ تداوم انقلاب در نسل بعد توجه دارد.

«شب‌نم از برگ گل چهرهٔ او تاراند / و کلامم را / در افق‌های کبود نگهش باراندم: / «دخترم! / آن سوی آینه و قرآن / چه کسی را آیا میبینی / که پری‌واره چنین غمگینی؟» (همان، ص ۱۰۳).

وطن: وطن و هویت ملی، در برخورد با تهدیدها و هنگام به خطر افتادن منافع ملی، اهمیت بیشتری مییابد؛ از این رو در شعر حماسی و شعر دفاع مقدس، جزو مفاهیم و کلیدواژه‌های اصلی است. حجم اشعاری که دربارهٔ وطن سروده شده است، بسیار زیاد است. شاعران هنگام سخن از ایران و مرزهای آن، لحنی حماسی را که حاکی از شور و نشاط است بکار میگیرند. ذکر نام شهرها و مناطق جنگی، اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی، وقایع مهم تاریخی، نشانگر تمایلات وطن‌دوستانهٔ شاعران است. کلمات و تعبیری نظیر خانه، ریشه، کلید، و بازگشتن، متضمن نگاه شاعران به وطن است.

در شعر «روی جناغ تانک» از استعارهٔ آشنای «باغ» برای وطن بهره برده است:
«وقتی / خمپاره‌ها / از تندر صدای تافته‌شان ذله میشوند / بابا / شب را / ز بام فرومیکشد / تا رستخیز نور / در باغسار سرخ وطن جلوه‌گر شود» (از پلک سنگ، ص ۱۷).

در شعر «از ژاله آمدند» نیز از وطن سخن گفته است: «مردم / یعنی کسی که / نان‌آورش / در «تنگهٔ چزابه» به خون آرمیده / لیک / ایمان آفتابیش / از کوچه‌های زخم‌گذر کرده است / مردم / یعنی همین پرنده‌فروش پیر / که میداند / ... / ایران / اتاق اسکناس اروپا نیست / ... / این مردم / دیربست در «شعب ابی طالب» وطن / تحریم را / چونان که خرسنگهای راه / با صبر دیرسال پذیرفته‌اند» (همان، ص ۲۷ - ۲۹).

در شعر «سوره» وطن با حماسه و عشق پیوند یافته است: «وطن را بردار / و چنان شعر بلیغ دریا / همه جا گیسوی آوازش را / افشان کن / که گرانبه‌تر از سورهٔ سرخ / و برادرهامان / مثل میراث حماسه، هر شب / زیر فانوس شقایق / آن را / میخوانند / وطن را بردار / و درون خشم عریان کن: / گل سرخ آتش / که از ایمان هزاران ققنوس / در دل خاکستر میشکفت» (همان: ۷۵ و ۷۶).

در شعر دفاع مقدس، به کشورهای دیگر - بویژه کشورهای مسلمان - نیز توجه میشود. «در ذهن و ضمیر شاعران مسلمان ایران، اسلام هم‌سنگ مفهوم وطن و «ایران» اهمیت دارد؛ بنابراین آرزوی تجدید حیات امت اسلامی و برخورداری از حوزهٔ وسیع جغرافیایی در شعر پایداری و دفاع بارها طرح شده است. از زمانی که قائم مقام فراهانی از گسپختگی حال و روز مسلمانان سخن گفت تا زمانی که اقبال، هند و سمرقند و عراق و همدان را به بیداری فراخواند، ایدهٔ وطن اسلامی و سرزمین دینی در ذهن و ضمیر شاعران مسلمان وجود داشته است. تفکر جهان‌وطنی دینی یا امت واحدهٔ اسلامی با طرح آرمان آزادی قدس، قبیلهٔ نخستین مسلمانان، ذهنها را به خود معطوف کرد؛ حتی عبارت «راه قدس از کربلا میگذرد» بنوعی استراتژی جنگ را تعیین کرد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۷۳).

«این شعر نیست / این ابتدای نام گل سرخ است / زیر تگرگ چکمه و ساطور / تا راویان بعد از این / به آینه بسپارند: / از شعله صدای فلسطین / هنوز کرانه‌های مدیترانه پریشان است» (از پلک سنگ، ص ۱۶۶). برخی موارد دیگر: شعر قبیلۀ زیتونی (ص ۱۲۲) برای فلسطین و دعوت مردم آن به مبارزه سروده شده؛ شعر حلبچه (ص ۱۲۴) برای مردم مظلوم و شیمیایی‌زده حلبچه؛ شعر/افغان (ص ۱۲۸) به یاد مردم مظلوم افغانستان؛ شعر گلوله‌باران سنجاقک (ص ۱۵۳) برای مردم بوسنی و هرزگوین.

در برخی اشعار نیز به سیستان و بلوچستان اشاره کرده است؛ و باز باد (صبح در پرگار، ص ۷۴)، بلوچ (همان، ص ۱۳۹) که در آنها، جغرافیای سیستان و وضعیت زندگی مردم آن توصیف شده است.

نگاه تاریخی: یکی از برجستگی‌های محتوایی شعر انقلاب و دفاع مقدس، ذهنیت تاریخی و تاریخی‌نگری به موضوع تقابل و نبرد حق و باطل و مظلومیت مظلومان از جمله امام حسین (ع) است. اینان تقابل حق و باطل را از ابراهیم نبی و حضرت رسول و حضرت امیر تا عاشورا و پس از آن تا جنگ نشان می‌دهند. در واقع این شاعران، مبارزه با ظلم را در جریانی تاریخی می‌بینند که دیروز بوده و امروز ادامه دارد و فردا نیز خواهد بود: «مردم / همواره و همیشه و هشیار / شاهدند: / در «بامیان» / در «قندهار» / در «فراه» / دیوارهای ستم، قد برکشیده مست و انسان / ناباورانه / برده بیداد است / این را / حتی «اریتره» خون‌پالا / وقتی که فقر / در کاسه سر او / آب میخورد / و هر روز / زخم درشت دیگری / گل می‌دهد به سینه او / نیز شاهد است» (از پلک سنگ، ص ۳۱). شعر «از زاله آمدند»، شعری طولانی است که در آن، شاعر با سیری در تاریخ و جغرافیای ظلم و ستم، از مردمی سخن گفته است که با فراست و هشیاری اما در عین سادگی و بی‌آلایشی از سیاستهای جهانی و دنیای استکبار آگاهی دارند.

شاعر در مثنوی «بیعت» نیز سیری تاریخی بر جدال حق و باطل دارد و این مضمون را در ذیل تو صیف مکه و تسلط وهابیان بر آن و غلبه صهیونیستها بر قدس بیان کرده و با اشاره به اینکه حج واقعی و ابراهیمی و محمدی چگونه است، از بت‌شکنی و آرزوی رهایی قدس سخن گفته است؛ «قدس هرگز مباد در پرگار».

مبارزه با استعمار و سرمایه‌داری: یکی از مضامین مهم و برجسته شعر عباس باقری، اشاره به استعمار و جهل و نادانی کشورهای همسایه از آن است. در شعر «آرامکو» از سیاست و سلوک سیاسی حاکمان عربستان و توجه‌شان به غرب انتقاد میکند و معتقد است آنها از معنویت کاسته‌اند و در سرزمین وحی، نگاه‌شان معطوف دنیا شده است:

«از شاخه «وهاب» / نسلی برآمد / حقیر / چونان خفیف مایه غباری / که آفتابش / تاب نیاورد / و غرب / آن را چون میوه‌ای / ز شاخه «قوم» درربود / نسلی که آستانه پندارشان / با نقشی از ستاره داوود / آذین شد / و سهم شهادت «اصحاب پدر» را / با واردات ماهواره، ادا کردند / مردانی / قرینه آیین ابرهه / آلاله‌های شعب ابیطالب / بر پشته سپیده نیرویند / دنیا به سرخرویی‌شان، رشک میبرد / تا باز / «آرامکو» به جای قبله نشینند» (صبح در پرگار، ص ۸۳).

در شعر «مشاطگان» نیز از نفوذ غرب در برخی حاکمان منطقه سخن گفته و به ظلم و ستم حاکمان کشورهای عربی بویژه صدام اشاره کرده است: «و صدام / تنها حروف سربی تخریب است / که دست کارگری - حتی - / در غرب / او را بدل به واقعه میسازد / تا در قراء رنج / دختر / اندیشه جهاز را به معماری تبدیل کند / و صبح در خانه‌های نهانند / با خون و بوی گوشت درآمیزد» (همان، ص ۱۰۵).

در شعر «از ژاله آمدند» نیز از سرمایه‌داری و نقش کارتلها و تراستها در پیشبرد سیاستهای استعماری سخن گفته است.

فقر و مشکلات اقتصادی: عباس باقری در مجموعه صبح در پرگار، با توجه به وضعیت جغرافیایی سیستان، با لحنی اندوهگین از فقر و بیکاری و مهاجرت و درد و حسرت مردم سخن گفته است. تصویر زنان مغموم و رنج‌دیده، مردان بیکار، عبوس و شرمنده، جغرافیای خشک و نازا، ابرهای سترون و بادهای ویرانگر، در این دفتر بارز است (گرچی‌زاد، ۱۳۸۸: ۸۰).

در شعر «مثل همین غروب» از سفره بی‌نان سخن می‌گوید و اینکه صدای رادیو و سرخوشی مستانه آن در چنین وضعیتی بیمعناست:

«آن پیچ را ببند / لیلا / بگذار / آوازه‌های روشن فردا را / از ابر دردمند کلام تو بشنوم / وقتی کنار سفره بی‌نان / آشفته مینشینی و می‌گویی: / آیین روزها چه زود می‌گذرد شاعر!» (صبح در پرگار، ص ۲۶).

در شعر «این چه زندگیست» نیز از فقر و سفره تهی سخن گفته است؛ «عابران خسته»، «چشمه‌های بی‌تپش»، «اجاق سرد»، «قنات خشک» و تصاویر دیگری مانند اینها در این شعر فراوان است.

«صبح: / فکر نان ظهر / ظهر: / یاد نان شب / شب: / درون خانه، سفره تهی / مانده خیره بر اجاق سرد / شعله نگاهها / ... / در شبان بی چراغ / چلچراغ ماه نیست / این چه زندگیست!» (همان، ص ۳۱ - ۳۴).

در چارپاره «زبور عطش» شاعر با اشاره به خشکسالی و «آسمان بی بارش»، از مشکلات اقتصادی مردم - بویژه روستاییان - سخن گفته است:

چه سحرها که سرمه شب را فقر بر چشم صبح میپاشید

برزگر نان کودکانش را ز آرزوهاش دورتر میدید

(همان، ص ۷۱)

نتیجه‌گیری

عباس باقری اشعار بسیاری سروده است، اما در این مقاله دو کتاب مهم او یعنی صبح در پرگار و از پلک سنگ بررسی شد. میتوان گفت بین این دو دفتر و بطور کلی تمام اشعار باقری از نظر فرم و صورت و محتوا ارتباط وجود دارد. اشعار باقری، بیشتر در قالبهای آزاد و نیمایی است. مضمون و محتوای شعر وی متأثر از تاریخ، اقلیم و طبیعت سیستان است. او همچنین بطور جدی و فعال به مضامین پایداری و شعر انقلاب پرداخته است. اشعار عباس باقری، اغلب با زبانی ساده و روان سروده شده‌اند. در این دو مجموعه، زبان شاعر خصوصیات برجسته‌ای دارد: بسامد واژه‌ها و اصطلاحات مذهبی و عرفانی در مجموعه «از پلک سنگ» بیشتر است. متأثر از همین ویژگی زبانی، واژه‌ها و اصطلاحات عربی نیز در این مجموعه بیشتر بکار رفته است. واژه‌ها و اصطلاحات جنگی و نامهای جغرافیایی مربوط به جبهه، در مجموعه «صبح در پرگار» جلوه زیادی ندارد. توجه شاعر به طبیعت، موجب بازتاب نام پرندگان و پدیده‌های طبیعی مانند کوه و دریا در شعر او شده است. همچنین توجه شاعر به فرهنگ و اقلیم سیستان، بسامد نامها و واژه‌های بومی و محلی را در شعر او قابل توجه کرده است. گاهی در اشعار او، ضعفهای زبانی دید میشود که شعر را دچار تعقید و آسیب میکند.

بررسی ادبی شعر باقری نشان می‌دهد که به صور خیال و صناعات ادبی پیچیده چندان توجهی ندارد و از میان انواع آرایه‌های ادبی، بیشتر به تشبیه (بخصوص حسی به حسی و اضافه تشبیهی)، استعاره و نمادهای آشنا و تکراری، تشخیص و جاندارانگاری (بویژه در مجموعه صبح در پرگار)، تلمیح (بخصوص تلمیحات مذهبی) توجه کرده است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، عناصر سازنده صور خیال است. در شعر باقری، اغلب از عناصر و اجزای طبیعت برای ساخت آرایه‌ها استفاده شده است. بومی‌سرایی و توجه به اقلیم و بوم، یکی دیگر از خصوصیات شعر باقری است. شاعر واقعیتهای محیط خویش را با جوهری هنری و بهره‌گیری از نمادها و استعاره‌ها بیان می‌کند.

بررسی محتوایی اشعار باقری نشانگر آن است که به مفهوم شهادت و توصیف شهیدان، جانبازان و آزادگان توجه بسیاری دارد. همچنین مانند سایر شاعران دفاع مقدس، به عاشورا و کربلا اشاره کرده است. باقری به خانواده رزمندگان (مادران و فرزندان و همسران آنها) پرداخته است. در اشعار دفاع مقدس، توجه به وطن و مرزهای جغرافیایی ایران برجسته است؛ در شعر عباس باقری نیز وطن‌دوستی، مضمون مهمی است، البته او به اسلام‌وطنی نیز اشاره دارد. مبارزه با استعمار و سرمایه‌داری و جهل و مادی‌گرایی حاکمان همسایه، از دیگر مضامین شعر باقری است که بخصوص در مجموعه صبح در پرگار دیده می‌شود. بیان فقر و مشکلات اقتصادی از دیگر مضامین شعر اوست. جغرافیای تاریخی که شاعر در آن زندگی می‌کند سرشار از درد و حسرت و دریغ است. نامرادیها و ناکامیهایی که ریشه در خشکسالی و قهر طبیعت دارد و در فقر و بیکاری و مهاجرت مردم خود را نشان می‌دهد، شاعر را اندوهگین و حسرتبار می‌کند.

تشکر و قدردانی

از مسئولان کتابخانه جنگ حوزه هنری بابت در اختیار گذاردن منابع سپاسگزارم.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی می‌نماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت پژوهشی این نویسنده است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Alipour, Mustafa. (2001). *The Structure of Today's Poetry Language*, Tehran: Ferdows.
- Bagheri, Abbas. (1989). *Morning in compass*, Tehran: Barg.
- Bagheri, Abbas. (2007). *From the eyelid of the stone*, Tehran: Sarir.
- Ghasem Nejad, Ali. (1997). "War Literature", *Persian Literature Dictionary*, Under the Exposition of Hasan Anousheh, Tehran: Publishing and Printing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, pp. 48-52.
- Gorjizad, Reza. (2009). *The pain of the songs of the difficult times*, *Keyhan Farhangi*, No. 276 and 277, pp. 78-80.

- Haddad Khanshan, Maryam. Amani, Rostam & Farzi, Hamidreza. (2021). Stylistic analysis of the introductory poems to the Persons of the Resistance of the Islamic Revolution and the Sacred defense (Based on a review of the poetry of Fifteen poets). *Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose*, (14) 62, pp. 141-161.
- Hoghughi, Mohammad. (1998). *New Poetry from the Beginning to Today*, Volume I, Tehran: Sales.
- Homaiei, Jalal al-Din. (1992). *Rhetoric and literary crafts*, Tehran: Homa.
- Kafi, Gholam Reza. (2002). *Manual on Fire*, Shiraz: Navid-e Shiraz.
- Kakai, Abdul Jabbar. (1997). *Songs of the Red Generation*, Tehran: Orouj Publishing Institute.
- Kakai, Abdul Jabbar. (2001). *A Comparative Study of Sustainability Issues in Iranian and World Poetry*, Tehran: Palizan.
- Kazemi, Mohammad Kazem. (2011). *Ten Poets of the Revolution*, Tehran: Soore Mehr.
- Keramat, Seyed Alinaghi. (2016). *The sound of the river*, Tehran: Maroon.
- Khajehnesir al-Din Toosi (1976). *Asas -o- el eghtebs*, Mohammad Taghi Modarres Razavi (emend.), Tehran: University of Tehran.
- Meqdadi, Bahram. (1999). *Dictionary of Literary Criticism (from Plato to the Present)*, Tehran: Fekr-e Rooz.
- Mohammadi, Mohammad Hussein. (1995). *The culture of allusions to contemporary poetry*, Tehran: Mitra.
- San'ati, Mohammad Hussein. (2010). *Familiarity with holy defense literature*, Tehran: Sarir.
- Sangari, Mohammad Reza. (2001). *Review of literature of the holy defense*, Volume II, Tehran: Palizan.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (1991). *Images of Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah.
- Shamisā, Sirus (1999). *Generalities of stylistics* Tehran: Ferdows.
- Shayan Mehr, Alireza. (2012). *Sociology of War*, Tehran: Jame'eshehasan.
- Zilabi, Aziz. A. et. All. (2022). Stylistic analysis of ritual poems of poets after the revolution. *Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose*, (15)73, pp. 23-43.

فهرست منابع فارسی

- باقری، عباس. (۱۳۶۸). *صبح در پرگار*. تهران: برگ.
- باقری، عباس. (۱۳۸۶). *از پلک سنگ*. تهران: صریر.
- حداد خانشان، مریم؛ امانی، رستم؛ و فرضی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). تحلیل سبک‌شناسی اشعار تقدیمی به شخصیت‌های پایداری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره چهاردهم، شماره پیاپی ۶۲، صص ۱۴۱ - ۱۶۱.

- حقوقی، محمد. (۱۳۷۷). شعر نو از آغاز تا امروز. جلد اول، تهران: ثالث.
- خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۵۵). اساس الاقتباس. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیلایی، عزیز و همکاران (۱۴۰۱). تحلیل سبک‌شناسی اشعار آیینی شاعران پس از انقلاب. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره پانزدهم، شماره پیاپی ۷۳، صص ۴۳-۲۳.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. جلد دوم، تهران: پالیزان.
- شایان‌مهر، علیرضا. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی جنگ. تهران: جامعه‌شناسان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس.
- صنعتی، محمدحسین. (۱۳۸۹). آشنایی با ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
- علیپور، مصطفی. (۱۳۸۰). ساختار زبان شعر امروز. تهران: فردوس.
- قاسم‌نژاد، علی. (۱۳۷۶). «ادبیات جنگ»، فرهنگنامه ادبی فارسی، زیر نظر حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۴۸-۵۲.
- کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۹۰). ده شاعر انقلاب. تهران: سوره مهر.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۱). دستی بر آتش. شیراز: نوید شیراز.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۷۶). آوازه‌های نسل سرخ. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: پالیزان.
- کرامت، سید علی‌نقی. (۱۳۹۵). آوای رود. تهران: مارون.
- گرچی‌زاد، رضا. (۱۳۸۸). درد نغمه‌های روزگار بغرنج، کیهان فرهنگی، شماره ۲۷۶ و ۲۷۷، صص ۷۸-۸۰.
- محمدی، محمدحسین. (۱۳۷۴). فرهنگ تلمیحات شعر معاصر. تهران: میترا.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر). تهران: فکر روز.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.

معرفی نویسنده

یوسف کرمی چمه: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
(Email: yousef.karamichemeh@apu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introduction of the author

Yousef Karami Chemeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.
(Email: yousef.karamichemeh@apu.ac.ir)